

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

بررسی ذهنیت نسلی شاعران در دو دهه آغازین پس از انقلاب اسلامی*

(علمی- پژوهشی)

دکتر حسام ضیایی
استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد
اسلامی واحد قائم شهر ایران

چکیده

دو دهه آغازین پس از انقلاب اسلامی را می توان یکی از استثنایی ترین مقاطع زمانی قرن معاصر در خصوص تغییر نسل ها و ذهنیت و ابژه های نسلی آنها نسبت به گذشته قلمداد کرد. تحولات پی در پی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در طول دو دهه آغازین پس از انقلاب اسلامی به تغییر و تحولات نسلی مقطع زمانی مذکور سرعت بسیاری بخشیده است. در این پژوهش، تلاش خواهد شد تا بر اساس تقسیم بندی ۱- خاطره ها ۲- باورها و هنجارهای نسلی، برخی از مهمترین ابژه های نسلی شاعران دو دهه ابتدایی پس از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. انواع دگرگونی های سیاسی- اجتماعی نظیر انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، تحولات و شخصیت های برآمده از جنگ تحمیلی، دوره پس از جنگ و...، شخصیت های مطرح سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در این دو دهه به خصوص امام خمینی (ره) و همچنین پدیده های فرهنگی- اجتماعی نظیر تغییر در اندیشه های ایدئولوژیک و گریز از ایدئولوژی افراطی، نسبی گرایی و پرهیز از ذهنیت مطلق اندیش و تغییر در اندیشه های فرهنگی- اجتماعی می توانند بخشی از ابژه های نسلی شاعران مقطع زمانی مذکور را به خود اختصاص دهند.

واژه های کلیدی: ذهنیت نسلی، ابژه های نسلی، شاعران، پس از انقلاب اسلامی.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۹/۲

ziaee.hesam@gmail.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۳/۳

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

۱ - مقدمه

در جوامع سنتی به دلیل کند بودن تغییر و تحولات در ابعاد مختلف زندگی مردم، تغییر ذهنیت نسل ها نیز به کندی صورت می گرفت. در واقع به دلیل ثابت بودن باورها و هنجارهای زندگی مردم در مقاطع زمانی مختلف، معمولاً نسل های مختلف در طول سالیان دراز از یک سری باورها، هنجارها و حتی خاطره های ثابت برخوردار بودند و این باورها و هنجارها نیز سینه به سینه به نسل های بعدی منتقل می شد.

پذیرش انگاره اقتدار بزرگترها و مقوله احترام سن، فرهنگ تقدم و در دست بودن ابتکار امور توسط بزرگسالان به شیوه ای سنتی و همچنین نفوذ بالای فرهنگ و الگوهای سنتی و باورها در نسل های مختلف باعث می شد تا این الگوها با کمترین تغییر و دگرگونی از نسلی به نسل دیگر منتقل شوند و مانع ایجاد تعارضات شدید نسلی میان طبقات مختلف نسل ها شوند (توکل، ۱۳۸۵: ۹۹). به همین دلیل، تغییر نسل ها در جوامع سنتی بیشتر حالت بیولوژیکی داشته است تا جامعه شناسانه؛ اما به مرور و با گذر انسان از مرحله سنتی و حرکت تدریجی نظام های اجتماعی به سمت مدرنیسم، تغییر و تحولات نسلی نیز معنایی واقعی تر به خود گرفت؛ به طوری که هر چه تحولات زندگی انسان در ابعاد مختلف آن، سرعت بیشتری می گرفت، تفاوت نسل ها بیشتر می شد و محدوده زمانی انتقال یک نسل به نسل دیگر نیز کوتاه تر می شد.

۱-۱- بیان مسئله

به اعتقاد جامعه شناسان، آنچه امروزه به تفاوت و مرزبندی نسل ها و هویت اجتماعی آنها معنا می بخشد، ذهنیت و ابژه های نسلی متعلق به هر نسل است. ذهنیت نسلی، در حقیقت، درک کلی یک نسل از جامعه و جهان پیرامون است. تأکید هر نسل بر ارزش ها، خاطره ها، علایق، قهرمانان اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... بازگو کننده ذهنیت مشترک آن نسل در مورد مسائل مختلف است. در واقع، تعریفی که یک نسل برای خود دارد می تواند به روشنی آن نسل را از نسل های قدیم تر و جدید تر جدا کند و این تمایزات است که هر نسل را واجد ذهنیت نسلی متعلق به خود می کند.

ابژه های نسلی نیز مواد تشکیل دهنده ذهنیت یک نسل به شمار می روند. در حقیقت، آنچه که ذهنیت نسلی را شکل می دهد؛ ابژه های نسلی هستند. ابژه های نسلی می توانند خاطره های مشترک، تصاویر ذهنی مشترک بین اعضاء متعلق به یک نسل معین و البته در مواردی بین چند نسل و یا نحوه رفتار اجتماعی، تجربیات مشترک جوانی، رویدادهای خاص سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... باشند که در مجموع، ذهنیت یک نسل معین را شکل داده و کمک می کنند تا یک نسل بتواند هویت نسلی خود را باز یابد و برداشت و تعریفی مشخص از نسل خود داشته باشد (بالیس، ۱۳۸۰: ۲). در این مقاله تلاش خواهد شد تا ضمن معرفی برخی نظریه های جامعه شناختی در خصوص ذهنیت سازنده نسل های مختلف، ذهنیت و ابژه های نسلی شاعران دو دهه اول پس از انقلاب اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

با توجه به نقش ذهنیت نسلی در شکل دهی به تفکر و دیدگاه های ادبی شاعران، فرضیه اصلی این پژوهش وجود ارتباط معنادار بین ذهنیت و ابژه های نسلی شاعران پس از انقلاب با مضامین و مولفه های شعری مورد استفاده توسط آنها است؛ به عبارت دیگر، پس از بررسی مضامین و درونمایه های شعری متعلق به دهه اول و دوم پس از انقلاب اسلامی، می توان ابژه های نسلی آنها نظیر حوادث و جریان های سیاسی- اجتماعی و افراد و شخصیت های برجسته سیاسی- اجتماعی را در شعر و زبان این شاعران مشاهده کرد. ضمن اینکه طبعاً تفاوت هایی نیز بین نگاه شاعران دهه اول و دهه دوم پس از انقلاب نسبت به حوادث مهم سیاسی و اجتماعی، بر اساس ابژه ها و ذهنیت نسلی آنها به چشم می خورد.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

طبعاً شناخت خاطره ها، باورها و هنجارهای نسل های مختلف شاعران پس از انقلاب، پژوهشگران را در درک بهتر فکر و زبان شاعران دهه های اخیر ایران کمک خواهد کرد و در تشخیص میزان تاثیر پذیری شاعران انقلاب اسلامی، از تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... در طول دو دهه اول انقلاب و سیر تحول این تأثیر پذیری مفید خواهد بود.

۱-۳- پیشینه تحقیق

در خصوص مولفه‌ها و ویژگی‌های شعر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، مقالات متعددی در طول سال‌های اخیر نگاشته شده است؛ اما نگاه به مضامین شعری شاعران جوان انقلاب بر اساس ابژه‌ها و ذهنیت نسلی آنها، موضوعی است که کمتر بدان پرداخته شده است؛ در واقع ایجاد ارتباط بین روانشناسی، جامعه‌شناسی و ادبیات در مورد شاعران نسل اول و دوم پس از انقلاب، موضوعی است که لزوم پرداختن بدان تا حدی احساس می‌شود.

۲- بحث

اکنون به بررسی اجمالی برخی از نظریات جامعه‌شناختی در خصوص ذهنیت و ابژه‌های نسلی، خواهیم پرداخت و سپس ذهنیت نسلی شاعران دو دهه آغازین پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه کریستوفر بالاس مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت:

۲-۱- نظریه‌های مختلف در خصوص ذهنیت نسلی

در طول یک قرن اخیر، دانشمندان علوم مختلف به خصوص جامعه‌شناسی و روانشناسی، تحقیقات جامعی در خصوص محدوده زمانی نسل‌ها، باورها و هنجارهای متعلق به نسل‌های مختلف و عوامل تغییر این هنجارها در نسل‌های مختلف و همچنین شکاف بین نسل‌ها صورت داده‌اند و هر یک سعی کرده‌اند به جنبه‌هایی از این تفاوت‌ها و عوامل ایجاد آنها پردازند؛ به عنوان مثال، ما نهایم جامعه‌شناس مطرح آلمانی، با تأکید خاص بر تغییرات فرهنگی و همچنین حوادث سیاسی - اجتماعی، تلاش می‌کند تا نقش این عوامل را بر تغییر و شکاف نسل‌ها و تفاوت در ذهنیت آنها مورد تحلیل قرار دهد. وی معتقد است که هر نسل، مهر خاص حوادث سیاسی - اجتماعی در دوره اصلی شکل‌گیری (جوانی) خود را بر پیشانی دارد و این حوادث، نفوذی قاطع و تعیین‌کننده در تمایز ایدئولوژیک و تعیین ساختار ذهنی، فرهنگی و رفتارهای بعدی اعضای یک نسل خواهد داشت (توکل، ۱۳۸۵: ۹۹).

اما پیر بوردیو، پژوهشگر برجسته فرانسوی، بیشتر بر برخورداری یا محرومیت از امکانات و فرصت های موجود اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تأکید دارد و ریشه های تفاوت و شکاف نسل ها را در توزیع نابرابر سرمایه های مختلف به ویژه در حوزه قدرت و ثروت (اقتصاد و سیاست) جستجو می کند و معتقد است سرمنشأ دیگر تفاوت ها دو مقوله مذکور است (همان: ۱۰۲).

کریستوفر بالس دیگر پژوهشگر مطرح فرانسوی نیز در خصوص ذهنیت نسلی و تغییر آن در طول نسل های مختلف، پژوهش های گسترده ای انجام داده است. بالس معتقد است تغییر و تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... سبب می شوند تا ابژه های تشکیل دهنده ذهنیت نسلی در طول زمان دچار تغییر و تحول شود. نسل های مختلف، سعی می کنند ابژه هایی را که به نسل آنها ساختار و تشخیص می دهد، حفظ کنند.

بالس معتقد است که نسل های جدید حتی سعی می کنند ابژه های نسل های پیشین را در مقاطعی زیر پا بگذارند و با تضعیف یا حذف و یا تغییر این ابژه ها، ذهنیت و ابژه های متعلق به نسل خود را شکل دهند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۱۴۵). بالس محدوده زمانی نسل های مختلف در دوره کنونی را حدود یک دهه یا کمی بیشتر می داند و معتقد است حتی در یک دوره زمانی ده ساله نیز می توان تفاوت ابژه ها و ذهنیت نسلی را در یک نظام اجتماعی مشاهده کرد.

۲-۲- ذهنیت نسلی شاعران پس از انقلاب

در کشور ما در طول یک صد سال اخیر به دلیل تغییر و تحولات پی در پی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و آشنایی مردم با باورها، هنجارها و ابژه های نسلی تازه، تحولات نسلی، مفهوم تازه تری به خود گرفته است و طبیعتاً با گسترش و سرعت گرفتن این تغییر و تحولات در جامعه مدرن شده ایران، تغییرات نسلی نیز سرعت بیشتری به خود می گیرد؛ اما شاید بتوان مقطع سی ساله پس از انقلاب را استثنایی ترین مقطع زمانی قرن معاصر در خصوص تفاوت نسل ها و ذهنیت و ابژه های آنها نسبت به نسل های پیشین دانست.

حوادث متعدد داخلی و خارجی در طول دو دهه اول پس از انقلاب اسلامی و مواجه شدن نظام اجتماعی ایران با انواع دگرگونی های اجتماعی و سیاسی نظیر

انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، دوره پس از جنگ و... ظهور شخصیت های سیاسی و اجتماعی مطرح و بعضاً منحصر به فرد نظیر امام خمینی (ره)، چهره های طراز اول نظام سیاسی در سال های ابتدایی انقلاب و... تغییر در توازن قدرت در نظام بین المللی و فروپاشی کمونیسم و همچنین پدیده های مختلف فرهنگی- اجتماعی در طول دو دهه اول پس از انقلاب، سبب شده اند تا تفاوت دیدگاه ها و ذهنیت نسل ها در ایران پس از انقلاب، معنایی تازه و ملموس تر از قبل به خود بگیرد. طبیعتاً بررسی ذهنیت و ابژه های نسلی شاعران دو دهه اول پس از انقلاب و چگونگی انعکاس آن در شعر مقطع زمانی مذکور در شناخت بهتر تفاوت های موجود در اندیشه و دیدگاه های شاعران این دو دهه نسبت به تغییر و تحولات رخ داده در طول دو دهه اول پس از انقلاب، بی تأثیر نخواهد بود؛ از این روی، در این مقاله، تلاش می شود تا ذهنیت و ابژه های نسلی شاعران متعلق به هر دهه بر اساس تقسیم بندی ۱- خاطره ها و ۲- باورها و هنجارها مورد بررسی قرار گیرد. خاطره ها می توانند شامل حوادث تأثیر گذار و یا افرادی باشند که به عنوان چهره های مهم و خاص در خاطره ی نسلی یک مقطع زمانی باقی مانده اند. باورها و هنجارها نیز ایدئولوژی یک نسل، اعتقادات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... همچنین رفتارهایی هستند که هنجارهای اجتماعی یک نسل را شکل می دهند و نگرش آن نسل نسبت به جهان پیرامون را ترسیم می کنند؛ ضمن اینکه تقسیم بندی نسل ها در این پژوهش نیز بر اساس نظریه کریستوفر بالس به صورت دوره زمانی ده ساله است (بالس، ۱۳۸۰: ۲).

اکنون با توجه به این تقسیم بندی به بررسی برخی از مهم ترین خاطره ها و باورها و هنجارهای شاعران دو دهه اول پس از انقلاب می پردازیم:

۲-۱- ۲-۲- دهه اول پس از انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی، مرحله تازه ای از شکل گیری ابژه ها و ذهنیت نسلی شاعران جوان مقطع زمانی مذکور آغاز شد. تحولات پی در پی در سال های آغازین پس از انقلاب و تأثیر روح ایدئولوژیک انقلاب اسلامی و اندیشه های بنیان گذار کبیر آن بر نسل جوان پس از انقلاب، خط مشی اصلی شکل گیری ابژه های نسلی در این مقطع زمانی را ترسیم می کردند.

۲-۲-۱-۱-۱-۱-۲-۲ - خاطره ها

برخی از مهم ترین خاطره های متعلق به این دهه را می توان انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره)، جنگ تحمیلی و چهره های مطرح در صحنه انقلاب قلمداد کرد. لازم به ذکر است که طبیعتاً چهره ها و حوادث مربوط به پیش از انقلاب نیز می توانند جزء ابژه های نسلی شاعران در دهه اول پس از انقلاب قلمداد شوند؛ اما چون محدوده این پژوهش از پیروزی انقلاب به بعد می باشد، طبیعتاً افراد و حوادث پیش از انقلاب در این تقسیم بندی نمی گنجد.

علیرضا قزوه، محمدرضا عبدالملکیان، سلمان هراتی، علی موسوی گرمارودی، علی معلم، قیصر امین پور، حمید سبزواری، نصرالله مردانی، سهیل محمودی، احمد عزیزی و ساعد باقری از جمله شاعران نسل اول پس از انقلاب محسوب می شوند.

۲-۲-۱-۱-۱-۲-۲ - انقلاب اسلامی

طبیعتاً انقلاب اسلامی به عنوان مهم ترین رویداد رخ داده در طول سه دهه اخیر، جزء اصلی ترین خاطره های شکل دهنده به ذهنیت نسلی شاعران در دهه اول پس از انقلاب محسوب می شود؛ به طوری که حتی این رویداد به نوعی مسیر شکل گیری دیگر ابژه های نسلی شاعران این مقطع را رقم زده است. چگونگی شکل گیری این رویداد، حوادث منتهی به پیروزی انقلاب، مبارزات اجتماعی مردم، حوادث پس از پیروزی انقلاب و تحولات سیاسی و اجتماعی سال های آغازین پس از انقلاب، جزء مواردی هستند که تحت تأثیر پدیده انقلاب، بخشی از ابژه های نسلی شاعران دهه اول را شکل داده اند:

شب از نفس ستاره نورانی شد	میلاد سپیده باز طولانی شد
از شعله خشم و جنبش خون شهید	دریای عظیم خلق طوفانی شد

(مردانی، ۱۳۶۰: ۸۹)

جاودان بتاب ای فجر، وه چه عالم آرایی	بازتاب دیروزی، جلوه ای ز فردایی
جاودانه نوروژی، ای پگاه پیروزی	وه بهار بهمن ماه، ارمغان گل هایی
جاودان خون رنگت، جلوه خدا بینم	با درای پر شورت، نغمه نکیسایی

۲۷۰ / بررسی ذهنیت نسلی شاعران در دو دهه آغازین پس از...

ای طلوع آزادی، وی بهار بهمن ماه رهبری کنون با ماست، بر سریر دانایی

(کاشانی، ۱۳۷۳: ۱۵)

۲-۲-۱-۱-۱-۲-۱-۲-۱-۲-۱-۲ امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) به عنوان مطرح ترین چهره انقلاب اسلامی و عامل اصلی شکل گیری و پیروزی انقلاب، مهم ترین فرد شکل دهنده به ابژه های نسلی شاعران دهه اول پس از انقلاب محسوب می شوند.

خصوصیات شخصیتی ایشان، اهداف و آرمان های امام(ره) و عکس العمل هایشان نسبت به پدیده ها و تحولات مختلف حین و پس از انقلاب، جزء مواردی هستند که به عنوان ابژه های نسلی در شعر شاعران دهه اول پس از انقلاب به چشم می خورد:

مردی که طلایه دار مردان خداست از طایفه نور نوردان خداست

قطبی که مدار چشم او قبله نماست قلبش گل آفتابگردان خداست

(امین پور(ب)، ۱۳۶۳: ۲۳)

چهارده قرن بسی گل وا شد

گلی آزاده ز صحرای خمین

آمد و داروی بیماران شد

شد ز آزادگیش سرو و خجل

نگهش مژده ای از صبح بهار

بت شکن آمدی و گشت نگون

با بهار آمدی ای رهبر ما

از یکی روح خدا پیدا شد

خونش آمیخته با خون حسین

چلچراغ ره بیداران شد

چون به پا خاست نگون شد باطل

سخنش بر دل دشمن چون خار

بت انسان کش ابلیس افسون

سایه ات باد همی بر سر ما

(کاشانی، ۱۳۷۳: ۱۰۲)

۲-۲-۱-۱-۱-۲-۳- جنگ تحمیلی

حمله رژیم بعثی به ایران در سال ۱۳۵۹ هـ.ش حادثه ای بود که بیشترین تأثیر را پس از پیروزی انقلاب بر ذهنیت و ابژه های نسلی شاعران دهه اول پس از انقلاب گذارد. نحوه مقابله با دشمن متخاصم، حوادث پس از جنگ، پیروزی ها، شکست ها، خاطرات تلخ از دست رفتن جوانان وطن، چهره های مطرح دوره

جنگ، شهیدان جنگ و... جزء خاطره هایی هستند که به سبب شکل گیری جنگ تحمیلی بخشی از ذهنیت نسلی شاعران دهه اول پس از انقلاب را شکل داده اند:

جنگ جنگ است بیا تا صف دشمن شکنیم	صف این دشمن دیوانه میهن شکنیم
در افسانه ای قلعه شیطان بزرگ	چون علی فاتح خیر شکن تن، شکنیم
به چه اندیشه در این کشور خون آمده خصم	ما به نیروی یقین لشکر آهن شکنیم
شیشه عمر تو ای دیو بد آیین زمان	ما به سر پنجه ایمان چو تهمتن شکنیم
مشت ها بر دهن یاره سرایان کوییم	زورمندان جهان را همه گردن شکنیم
صبح «والعصر» به پیروزی نور اندیشیم	قامت این شب پر وحشت شیران شکنیم

(مردانی، ۱۳۶۴: ۸۲)

البته با نزدیک شدن به سال های پایانی جنگ تحمیلی جنبه عاطفی و آسیب شناسانه این پدیده در خاطره نسلی شاعران دهه اول پس از انقلاب، اندک اندک بیشتر می شود. به عنوان مثال می توان به این دو بیت از علیرضا قزوه اشاره کرد که در سال های پایانی جنگ تحمیلی سروده شده است:

تنت خونی لباست پاره پاره	خودت ماهی و چشمونت ستاره
نمیدونم کجایه قبرت اما	الهی نور بر قبرت بیاره

(میر جعفری، ۱۳۷۶: ۱۹۸)

۲-۱-۱-۲-۴- چهره های مطرح در صحنه ی انقلاب

پس از امام خمینی (ره) به عنوان چهره محوری انقلاب اسلامی، افراد دیگری که نقش پر رنگی در شکل گیری و پیروزی انقلاب داشته اند می توانند جزء شخصیت های شکل دهنده به بخشی از ذهنیت نسلی شاعران دهه اول به شمار بیایند. چهره هایی نظیر آیت الله مطهری، آیت الله بهشتی، آیت الله خامنه ای، آیت الله دستغیب، رجائی، باهنر و... جزء افرادی هستند که به دلیل نقش آنها در پیروزی انقلاب و تحولات پس از آن و همچنین جایگاه برخی از آنها پس از به شهادت رسیدن، بخشی از ابژه های نسلی شاعران دهه اول پس از انقلاب را شکل داده اند:

هفتاد و دو شاهد بهشتی	از کوچه خاک پیر رفتند
با نغمه آسمانی عشق	در هفتم ماه تیر رفتند

(مردانی، ۱۳۶۴: ۱۳۸)

در نمونه زیر نیز علی صمدیان، نام تعدادی از مطرح ترین چهره های سال های آغازین انقلاب را که به درجه شهادت نائل شده اند، در کنار هم جمع کرده است:

باید بهشتی وار در راه خدا رفت	این گونه در راه حسین سر جدا رفت
باید چو چمران رفت تا اوج رهایی	در باغ آتش سوختن همچون رجایی
چون باهنر باید به راه عشق جان داد	سوز خدایی را در این عالم نشان داد
چون مرتضی باید مطهر رفت ای یار	با بانگ خونین انالضحی رفت بر دار

(امیری خراسانی، ۱۳۸۷: ۵۳۰)

۲-۲-۱-۲- باورها و هنجارها

همان طور که اشاره شد ایدئولوژی و اعتقادات سیاسی، اجتماعی، مذهبی و... در یک نسل، مجموعه باورها و هنجارهای آن نسل را تشکیل می دهند. بنابراین با توجه به تحولات سیاسی منجر به پیروزی انقلاب، باورهایی نظیر غرب ستیزی، اسلامیت، روح انقلابی، نکوهش نظام سرنگون شده، روح مکتبی و ایدئولوژیک، توجه به معنویات، دفاع از مظلومین، محتوامداری و شعارگرایی را می توان جزء برخی از مهم ترین باورها و هنجارهای غالب در نسل اول شاعران پس از انقلاب محسوب کرد. اکنون به برخی از این باورها و هنجارهای نسلی می پردازیم:

۲-۲-۱-۲-۱- غرب ستیزی

با توجه به ماهیت اسلام گرا و غرب ستیز قیام امام خمینی (ره) و تأثیر چشمگیر اندیشه های ایشان بر روح و فلسفه انقلاب، طبیعی بود که ایجاد یک ذهنیت منفی نسبت به غرب و اهداف آن در قبال مردم ایران، جزء اولین هنجارهای شکل گرفته در ذهنیت نسلی شاعران پس از انقلاب باشد. ضمن اینکه تأثیر پذیری افراطی نظام پیش، از غرب به طور عام و آمریکا به طور خاص به عدم اعتماد و فاصله گرفتن شاعران این دهه از نظام غرب، رنگ و بوی بیشتر می داد. طبیعتاً تمامی نمادها و زیرمجموعه های غرب نظیر سرمایه داری، سکولاریسم، استعمار و استثمار ملت ها، قدرت طلبی و... نیز در حیطه هنجار کلی غرب ستیزی در بین نسل اول شاعران پس از انقلاب جای می گیرد. به عنوان مثال می توان به این شعر موسوی گرمارودی اشاره کرد که در حمایت از اندیشه های ضد استعماری و

آزادی خواهانه «دیک گریگوری» مبارز سیاه پوست آمریکایی سرودی شده است:

هیچ رنگی سیدتر از سیاهی نیست / ای آفتاب سیاه / ستاره ای از آسمان اسلام / در
چشمان مسیحی تو می درخشد / هماره باش / مشکن / دیک! (موسوی گرمارودی، ۱۳۶۳: ۳۸)

چو با تجلی انوار حق قلم زده ایم بر اوج باور مستضعفین علم زده ایم
به جسم رو به زوال نظام استکبار نهیب کاری تکبیر دم به دم زده ایم
(رحمدل، ۱۳۷۲: ۲۵)

همچنین می توان به این نمونه شعر از قیصر امین پور اشاره کرد که در آن،
شاعر مستقیماً آمریکا را به عنوان سردمدار و نماد استعمارگری در قرن معاصر،
مورد نکوهش قرار می دهد:

اما / هیچگاه قصد اقامت نکرده ایم / باید نماز قصر بخوانیم / زیرا مسافریم /
جای نماز عشق همین جاست / برخیز تا نماز بخوانیم / وقت نماز مرگ بر
آمریکاست (نجف زاده بارفروش، ۱۳۷۲: ۳۸)

۲-۲-۱-۲-۲-اسلامیت و باورهای مذهبی

اگرچه در جریان شکل گیری انقلاب اسلامی، مکتب های فکری و اعتقادی
متعددی حضور و فعالیت داشته اند، اما به دلیل جایگاه مذهب در بین ملت ایران و
نقش محوری امام خمینی (ره) به عنوان یک نماد مذهبی در این انقلاب، توجه به
اندیشه های اسلامی و مذهبی جایگاه ویژه ای در باورها و هنجارهای شاعران دهه
اول پس از انقلاب داشته است. تکیه بر اندیشه های دینی، سیره و زندگی ائمه
شیعه و نقش آن در زندگی روزمره جامعه و برجسته شدن هویت دینی در جریان
پیروزی انقلاب اسلامی، هنجار دین و مذهب را تبدیل به اصلی ترین هنجار و
باور در این دهه کرده است. ضمن اینکه تحوّل در عناصر مذهب شیعه در جریان
شکل گیری و پس از پیروزی انقلاب و به خصوص در گیر شدن نظام اجتماعی
ایران با جنگ تحمیلی هشت ساله بر نقش مذهب در ذهنیت این نسل افزود و به

عناصری نظیر ایثار، شهادت، ایمان، تقوا، عاشورا، انتظار و... جایگاه ویژه در میان ابژه های نسلی شاعران این دهه بخشید:

خونی که از گلوی تو تراوید/ همه چیز و همه چیز را در کائنات به دو پاره کرد/ در رنگ اینک هر چیز: یا سرخ است یا حسینی نیست/ از چشم شاعر، مرگ سرخ ابا عبدالله(ع) به سخره گیرنده ی زندگی است/ آه ای مرگ تو معیار/ مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت و آن را بی قدر کرد/ که مردنی چنان، غبطه بزرگ زندگانی شد (موسوی گرمارودی، ۱۳۶۳: ۱۳۹)

۲-۲-۱-۲-۳- نکوهش نظام سرنگون شده و نفی گذشته

روح ایدئولوژیک و شعاری که اصولاً جزء ویژگی های اصلی فضای انقلابی محسوب می شود در ذهن شاعر دهه اول پس از انقلاب، تصویری کاملاً تیره و منفی از نظام سرنگون شده را ترسیم می کرد. این تیرگی و دشمنی، دامنه هر آنچه که متعلق به گذشته است اعم از افراد، حوادث، تصمیمات، خط مشی ها و باورها را می گرفت؛ به طوری که در هنجار و باور شاعر این نسل، تمامی پیش از انقلاب باطل محض و تمامی انقلاب و اهداف آن حقیقت محض تلقی می شد. نمونه آشکار این نگرش را می توان در اشعار زیر اثر نصرالله مردانی مشاهده کرد:

به ناگهان ز افق های آن شب جاری	ستاره ای به خروش آمد از سیه کاری
ستاره ای که از او دیو شب فراری شد	سپاه سایه گریزان و نور جاری شد
ستاره ای که شب از هیبتش فرو ریزد	ز آسمان نگاهش سپیده برخیزد
ستاره ای که هزار آفتاب روحانی	به یک اشاره بر آرد ز شام ظلمانی

(مردانی، ۱۳۶۳: ۴۶)

آمد ز کرانه ی افق مریم صبح	افراشت به بام آسمان پرچم صبح
با عیسی مهربان خورشید گذاشت	بر زخم سپاه خاکیان مرهم صبح

(مردانی، ۱۳۶۰: ۹۲)

۲-۲-۱-۲-۴- محتوامداری و شعارگرایی

یکی دیگر از ویژگی های بارز در هنجارها و باورهای شاعران نسل اول پس از انقلاب، توجه به محتوا و پیام اثر ادبی و شعارگرایی در جریان ارائه آثار شعری می باشد. طبیعتاً این شعارگرایی نشأت گرفته از ماهیت انقلاب و تأثیر آن بر ذهنیت نسلی شاعران این دهه است. روحیه انقلابی و تلاش برای تبلیغ و اشاعه اندیشه ها، اهداف و آرمان های انقلاب در قالب آثار شعری و همراه کردن مخاطب با این ذهنیت، سبب می شد تا توقع شاعر نسل اول از شعر، نمایش دادن ایدئولوژی و آرمان های انقلابی او به روشن ترین وجه و انتقال آن به مخاطب باشد. این روحیه شعارگرا و محتوامدار با آغاز جنگ تحمیلی در ذهنیت نسلی این شاعران، قدرتی روز افزون گرفت. ماهیت جنگ و بسیج اجتماعی برای اتحاد در برابر دشمن، نکته ای بود که اجتناب ناپذیر بودن شعارگرایی و محتوامداری در ذهنیت نسلی شاعران دهه اول را منطقی جلوه می داد.

۲-۲-۲- دهه دوم پس از انقلاب

بر اساس نظریه مانهایم، نسل که در جریان کنش و تجربه تاریخی مشترک شکل می گیرد و بر اساس یک حافظه جمعی تداوم می یابد، منبع اصلی شکل دهنده به هویت ارزشی افراد است. در ذهن افراد متعلق به هر نسل، مفهومی آرمانی از مقولاتی نظیر رفاه، عدالت، نا امنی، استثمار و... وجود دارد که بر اساس آن آمادگی ذهنی و رفتار خاصی برای نسل مذکور در مقایسه با نسل های قبلی پدید می آید. این ذهنیت، افراد متعلق به یک نسل را در زیر چتر ایدئولوژی و آرمانی خاص قرار می دهد که سبب می شود تا آنها دنیای پیرامون را بر اساس آن ایدئولوژی نظاره کنند.

مانهایم معتقد است نسل های جدید، ارزش های خود را به عنوان پدیده ای برتر نسبت به ذهنیت نسل های پیشین به نوعی به آنها تحمیل می کنند و بر ذخیره ذهنیت نسلی و ارزش های موجود می افزایند. این کار به وسیله بازتعریف برخی از افکار و ایدئولوژی های موجود در نسل قبل و همچنین ایجاد برخی ارزش های جدید به مرور زمان فراهم می شود (توکل، ۱۳۸۵: ۹۹).

اگرچه در سال‌های منتهی به انقلاب و سال‌های اولیه پیروزی انقلاب، ارزش‌های ایدئولوژیک و مکتبی و ارزش‌ها و آرمان‌های انقلابی و شعاری حرف اول را می‌زد اما در دهه دوم پس از انقلاب به دلایلی مختلف شرایط تغییر آرمان‌ها و ایدئولوژی نسل جوان، اندک اندک فراهم شد و این تغییر آرمان‌ها نیز به تبع خود شرایط تغییرات عمده اجتماعی و سیاسی را نیز فراهم کرد.

رشد سریع جمعیت، ورود گسترده زنان به عرصه‌های علمی و اجتماعی کشور، تحول در پراکنندگی جمعیت از نظر جغرافیایی و افزایش میزان شهرنشینی، رفاه طلبی نسبی به واسطه سیاست‌های خاص دولت پس از جنگ، تغییر سطوح در میان نسل جوان شهری و روستایی، تحول در روستاها و مشارکت سیاسی و اجتماعی بیشتر در این بخش از جامعه و سرانجام تغییر در گروه‌های مرجع و حرکت از سوی گروه‌های مرجع سنتی و روحانی به طرف گروه‌های مرجع مدرن و روشنفکر از جمله عواملی هستند که در دهه دوم پس از انقلاب، شرایط و زمینه‌های تغییر در ابراهیم‌های نسلی شاعران این دهه را فراهم کرد (شریف، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

«دولتی شدن دین» پس از انقلاب و دینی کردن همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی از معرفت گرفته تا تکنولوژی، انسان، شهر، حکومت، هنر و... از جمله سیاست‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی در صدر انقلاب بود که با گذشت زمان، چالش‌ها و شکاف‌هایی در میان نسل دوم پس از انقلاب ایجاد کرد (همان: ۱۵۶).

علاوه بر آن تغییرات ناگهانی در ساخت جمعیتی ایران در دهه شصت نیز به این تفاوت نسلی در میان نسل دوم پس از انقلاب، سرعت بیشتری بخشید. اینگهارت در این خصوص معتقد است که دگرگونی‌های فرهنگی در چنین شرایطی و در میان گروه‌های جوان‌تر که نیازی به غلبه بر یادگیری‌های متناقض اولیه ندارد با سهولت بسیار بیشتری نسبت به گروه‌های بزرگ‌تر صورت می‌گیرد (ایتگهارت، ۱۳۷۳: ۲۰).

همان‌طور که اشاره شد حضور پررنگ زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی نیز از عوامل اصلی تغییر ارزش‌ها در دهه دوم پس از انقلاب به شمار می‌رود. این حضور سبب شد تا نوعی تبادل فرهنگی در جامعه نسبت به دهه اول انقلاب

شکل بگیرد. زنان به عنوان نیمی از جامعه با سایر فرهنگ ها و ارزش ها آشنا شدند و زمینه های تغییر ارزش های آنها فراهم شد. این در حالی است که در دهه اول، به دلیل شرایط خاص سیاسی و اجتماعی، ارتباط زنان بیشتر در یک فضای بسته و محدود منزل، بستگان و عده معدودی برقرار بود که امکان تغییر ارزش ها را تا حد زیادی پایین می آورد؛ اما با ظهور نسل جدید و جوان در دهه دوم و فراهم شدن شرایط حضور آنها در موقعیت های مختلف اجتماعی بر اساس سیاست های دولت پس از جنگ، به تدریج زمینه های تحول در ارزش های حاکم بر جامعه زنان ایران میسر شد (قبادزاده، ۱۳۸۱: ۱۷۹).

علاوه بر اینها برخی معتقدند عدم برنامه ریزی و ضعف حکومت در انتقال برخی از ارزش های موجود سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به نسل جوان را نیز می توان جزء عوامل مهم تغییر ابژه های نسلی در دهه دوم پس از انقلاب محسوب کرد.

به طور کلی، جامعه پذیری سیاسی، یکی از مباحث عمده در حوزه علم سیاست در جهت انتقال ارزش ها از نسلی به نسل دیگر می باشد که علاوه بر خانواده و همسالان، مدرسه و رسانه های جمعی، نقش بارزی در تحقق آن ایفا می کنند. «در حالی که از انقلاب ۵۷ حکومت تمام امکانات لازم را در اختیار داشت اما در زمینه جامعه پذیری سیاسی موفق نبوده و نتوانست که ارزش های نسل قبلی و انقلاب کرده را به نسل جدید منتقل کند. این مشکل بحرانی است که به نوعی تمام نظام های ایدئولوژیک با آن مواجه هستند و دلیل آن هم استفاده از شیوه های مستقیم و زمخت برای انتقال ارزش ها می باشد» (همان: ۱۸۷). و پیامد این ضعف در جامعه پذیری سیاسی، فاصله گرفتن نظام اجتماعی ایران از ارزش های ایدئولوژیک انقلابی، تفاوت در نگرش های سیاسی، برجسته شدن رویکرد فرهنگ ایرانی و تمایل به ارزش های مادی و فرهنگ غربی و کم رنگ شدن نقش ارزش های مذهبی در میان نسل دوم پس از انقلاب بود (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۵).

با توجه به تغییرات رخ داده در طول دهه اول و دوم پس از انقلاب و همچنین با نگاه بر ارزش های نسل موجود در دهه اول، برخی از مهم ترین خاطره ها و هنجارهای نسل دوم شاعران پس از انقلاب را به گونه زیر می توان تقسیم کرد.

با توجه به تأثیر عمیق و بنیادین امام خمینی (ره) بر ذهنیت نظام اجتماعی ایران و ادامه این تأثیر و نقش کلیدی در طول دهه شصت هجری شمسی، می توان ایشان را همچنان به عنوان یکی از خاطره های اساسی در نسل دوم شاعران پس از انقلاب نیز قلمداد کرد. ضمن اینکه حادثه وفات ایشان نیز می تواند جزء خاطره نسلی دهه دوم پس از انقلاب محسوب شود. جنگ تحمیلی نیز به دلیل طولانی بودن و تأثیر گذار بودنش قطعاً می تواند جزء خاطره های نسلی در بین شاعران دوره دوم محسوب شود. علاوه بر این دو، فروپاشی کمونیسم را می توان از مهم ترین حوادث این دهه به عنوان خاطره نسلی شاعران تلقی کرد. قطع نامه صلح بین ایران و عراق و مصائب پس از جنگ که با دامنه ای وسیع و از جنبه های مختلف نظام اجتماعی ایران را در دهه دوم پس از انقلاب، درگیر خود ساخت، می توانند از دیگر خاطره های تشکیل دهنده ذهنیت نسلی در بین شاعران دوره مذکور قلمداد شوند. رزا جمالی، م. روان شید، کسری عنقایی، مهرداد فلاح، نازنین نظام شهیدی، فرشته ساری، علی عبدالرضایی و رضا چایچی از جمله شاعران مطرح دهه دوم پس از انقلاب محسوب می شوند. اکنون به بررسی برخی از مهم ترین خاطره های نسلی شاعران این دهه می پردازیم:

۲-۲-۱-۱-۱-۱ امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) که در ابتدای انقلاب به عنوان رهبر و پیشوای فرهیخته یک جنبش عظیم مردمی شناخته می شدند، پس از پیروزی انقلاب و در طی وقوع حوادث متعدد سیاسی و اجتماعی به خصوص جنگ تحمیلی، جایگاه ویژه ای به عنوان یک چهره حماسی، عرفانی، انقلابی و مردمی یافتند. در طول جنگ تحمیلی، تمسک به امام (ره) و گردش حول محور ایشان در جبهه حق علیه باطل، چهره عرفانی ایشان را تقویت کرد و امام (ره) را به عنوان ادامه دهنده راه انبیا و امامان معصوم در موقعیتی ویژه قرار داد و به نظر می رسد این جنبه عرفانی در نسل دوم شاعران پس از انقلاب، حتی بیش از گذشته تقویت شده است. حادثه وفات امام خمینی (ره) نیز به واسطه تأثیر گذاری وسیع و عظمت آن، می تواند از جمله خاطرات نسلی شاعران در دهه دوم پس از انقلاب تلقی شود. به عنوان مثال

می توان به شعر زیر از فاطمه راکعی اشاره کرد که در آن، نگاه آسمانی و عرفانی به شخص امام(ره) و اظهار درد و مصیبت از رحلت ایشان با هم جمع شده است:

زمان به حرکت دستان تو ارادت داشت	زمین به تابش اشراقی تو عادت داشت
کدام حکمت نورانیت چو ساطع بود	که آسمان به زمین دلت ارادت داشت
قسم به آیه چشمت که راز اشراق است	برای درک تو باید چو عشق جرأت داشت
چگونه کشف کنم آن سوی وجود تو را	که ارتباط به آن سوی بی نهایت داشت
به زیر سایه دست تو کاروان شهید	نشسته بود و دمی قصد استراحت داشت
که مرغ روح تو ناگناه از قفس پرزد	به آن دیار که روح ازل اقامت داشت

(مکارمی نیا، ۱۳۸۴: ۵۷)

۲-۲-۱-۲-۲- جنگ تحمیلی

جنگ تحمیلی نیز می تواند جزء خاطره های مشترک بین نسل اول و دوم پس از انقلاب محسوب شود. اگر چه نقاط مشترک زیادی بین این دو نسل در خصوص نگاه به جنگ تحمیلی وجود دارد، اما قطعاً با گذر زمان، تفاوت هایی نیز در دیدگاه های شاعران در طول دهه دوم رخ داده است. به نظر می رسد در نسل دوم شاعران پس از انقلاب، نگاه آسیب شناسانه به پدیده جنگ و عواقب مادی و معنوی آن پررنگ تر از نسل اول می باشد. با توجه به اینکه نسل دوم، خاطرات و حوادث تلخ و شیرین جنگ را اکنون پشت سر خود می بینند، شاید بهتر و عمیق تر بتوانند با این پدیده پیچیده ارتباط برقرار کنند و آن را مورد تحلیل و کاوش قرار دهند. در دهه دوم پس از انقلاب، نسلی که بین سال های ۶۷ تا ۷۶ ه.ش ذهنیت و ابژه های نسلی خود را می شناخت، بیشتر به دنبال باز تولید و باز تعریف ارزش های نسل قبل بود و هر چند در این دهه با ابژه های مشترکی بین نسل دوم و اول پس از انقلاب مواجه هستیم اما زاویه دید شاعر نسل دوم نسبت به پدیده هایی نظیر انقلاب و جنگ با تفاوت هایی نسبت به نسل قبلی همراه است:

هنوز پلکان و پرنده را / از هم نمی شناخت / مرگش هر سه را یگانه ساخت /
کنار پرچین رویا بود / در حصار بازیچه هایش / هنوز گام زنجیر نگشوده بود / از
پایک هایش / هزار عندلیب / گرفتار در قفس گلویش / گاه یکی رها می شد / از
نگاهش / کودک سان سیماب قطره ای / فرو می چکید از پرچین رویایش / هنوز

قرص ماه و سنگ را/ از هم نمی شناخت/ مرگش ماه را سنگ می کند/ تا در برکه ای بیفتد و زاری کند. (ساری، ۱۳۶۸: ۹)

۲-۲-۱-۳- فروپاشی کمونیسیم

فروپاشی شوروی سابق نیز که تأثیر اجتناب ناپذیری بر روشنفکران جهان به خصوص جهان سوم داشت، بازتاب خود را به طور مستقیم بر ذهنیت شاعر دهه دوم پس از انقلاب گذارده است. این ابژه نسلی، آرمان گریزی و یأس فلسفی را در جمعی از شاعران دهه هفتاد به همراه داشت که می توان بخشی از معنا گریزی و محتوا ستیزی های دهه دوم را از پیامدهای آن دانست. برخی از شاعران جوان که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته بودند و همه چیز را به نوعی تمام شده تلقی می کردند، ناخودآگاه به سمت شعری تمایل یافتند که ساختارها و معناها را به چالش می کشید. رضا براهنی و کارگاه شعر معروف وی و همچنین علی باباچاهی از عوامل تأثیر گذار در پرورش این اندیشه در بین شاعران جوان در دهه دوم پس از انقلاب محسوب می شوند (معقولی، ۱۳۵۸: ۱۳).

۲-۲-۱-۴- پایان یافتن جنگ تحمیلی و پذیرش قطعنامه

یکی دیگر از خاطره های مهم نسلی که به تضعیف اندیشه های ایدئولوژیک در بین شاعران دهه دوم پس از انقلاب کمک کرد، پذیرش قطع نامه صلح با دشمن متخاصم در سال ۱۳۶۷ ه.ش بود. اتفاقی که نوعی سردرگمی و تردید در خصوص شعارهای ایدئولوژیک ارائه شده در طول جنگ تحمیلی را منجر شد و بازاندیشی در این شعارها و آسیب شناسی جنگ هشت ساله و حوادث و پیامدهای مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن را در بین بسیاری از شاعران نسل دوم پس از انقلاب به همراه داشت. پیامد این بازاندیشی و تردید نیز حرکت شاعران به سوی دل مشغولی ها و آرمان های نسلی متفاوت از نسل قبل و گرایش به مفهوم ها و مقوله های تازه در شعر فارسی بود. ضمن اینکه برخی از شاعران پیرو گفتمان ایدئولوژیک و مکتبی نیز پس از پذیرش قطعنامه با نوعی ترس از تضعیف ارزش های مکتبی و نگرانی در خصوص محدود شدن شرایط این ارزش ها مواجه شدند:

آنان که رفتند/ بر پیشانی شان ستاره داشتند/ و تو مانده ای که فردا/ چند ستاره بر شانه ات سبز شود! (قزوه، ۱۳۶۹: ۱۵۳)

۲-۲-۲-۲- باورها و هنجارها

۲-۲-۲-۱- تغییر در اندیشه های فرهنگی و اجتماعی

یکی از تفاوت های مهم در هنجارهای نسلی جوانان دهه دوم پس از انقلاب نسبت به نسل اول انقلاب، تفاوت در نگاه این جوانان به مقوله های فرهنگی و اجتماعی است. این تفاوت، علاوه بر حوادث رخ داده در طول دهه اول پس از انقلاب در ایران، نشأت گرفته از تغییر و تحولات تدریجی در سیاست های فرهنگی و اجتماعی دولت پس از جنگ می باشد. به واسطه ی سیاست های دولت که گسترش روح سرمایه داری، مصرف گرایی، توجه به نیازهای مادی، آزادی نسبی فرهنگی و ارتباط نزدیک تر سیاسی با غرب را سر لوحه کار قرار داده بود، به مرور در دهه هفتاد، نوعی تغییر اندیشه های فرهنگی و اجتماعی و جایجایی اندیشه های مسلط، اختلال در فرایند انتقال ارزش ها و درونی شدن آنها، تکثر ارزشی، تضادهای ارزشی - هنجاری و تغییر و تحول ارزش های دینی و اخلاقی پدیدار شد. (ر.ک. تاجیک، ۱۳۸۰: ۱۵۶). بازخورد این تغییر ارزش ها و هنجارها را می توان در فاصله گرفتن برخی شاعران از ارزش های فرهنگی و اجتماعی مسلط در گفتمان دهه قبل جستجو کرد؛ به طوری که نگاه متفاوت و آسیب شناسانه به دردها و معضلات اجتماعی به گونه ای آشکار جایگزین نگاه شعاری و ایدئولوژیک شد.

صدای گام های پسرک روزنامه فروش/ همیشه زرد غروب/ صدایی هم وزن همه خبرهای دنیا/ با یک قرص نان در یک دست/ و روزنامه ی دل کوچکش/ در دست دیگر/ روزنامه ای که تمام شب/ مادری آن را خواهد خواند(مرتجا، ۱۳۸۰: ۴۶)

در شعر «کمی بعد» اثر بهزاد زرین پور، نگاه متفاوت و آسیب شناسانه به نظام اجتماعی ایران در دهه دوم پس از انقلاب، از تغییری آشکار در اندیشه های فرهنگی و اجتماعی شاعران نسل دوم پس از انقلاب حکایت می کند:

ما فقط زیر یک سقف نمی خوابیم/ و گر نه اینجا هیچ فرقی با سربازخانه ندارد/ با کفش و کمر بند بسته به خواب می رویم/ خروسخوان با تمام تجهیزات/

خودمان را به میدان می‌رسانیم/ و تمام روز تمرین صف آرایی مقابل دشمنی را می‌کنیم/ که لحظه به لحظه جایش را با ما عوض می‌کند:/ اتوبوسی که دور از انتظار تو می‌گذرد/ بلیط‌های در هم ریخته و خرسند/ و راننده‌ای که تمام درها به روی تو می‌بندد/ کمی بعد:/ ایستگاه‌های زیادی/ انتظارهای بی‌جا/ و جمعیتی که اجازه‌ی سبز شدن به چراغ نمی‌دهد/ و همین‌طور جا به جا می‌شویم/ تا روز ما را به پایان برساند/ آن وقت دست به دیوار می‌زنیم و بر می‌گردیم/ هر که زودتر به خانه رسید/ تنها ساعتش را کمی جلوتر از بقیه کوک می‌کند (باباچاهی، ۱۳۸۱: ۳۲۴).

۲-۲-۲-۲-۲- گریز از ایدئولوژی افراطی

تحقق نیافتن برخی از آرمان‌های انقلابی در دهه اول پس از انقلاب، حوادث متعدد سیاسی و اجتماعی و مصائب و مشکلات مختلف رخ داده برای نظام اجتماعی ایران به واسطه جنگ تحمیلی، شکست ایدئولوژی‌های افراطی در نظام بین‌الملل، تضعیف ارزش‌های شعارگرا و محتوامدار، سرعت گرفتن ظهور مجدد جریان روشنفکری در دهه دوم، تفاوت‌های نسلی در دهه دوم پس از انقلاب، بازاندیشی در ابژه‌های نسلی دهه قبل و بازتعریف خاطره‌ها، باورها و هنجارهای نسل پیشین و برخی ضعف‌های مدیریتی و اجرایی از جمله عواملی بودند که به گریز چشمگیر گروهی از شاعران دهه دوم پس از انقلاب از ایدئولوژی‌های افراطی منجر شد.

عالم تا شده است در روزنامه دیروز/ آفریقا زیر دوده قابلمه/ سیاه می‌شود/ شکاف زلزله را پوشانده است/ دانه قمری/ به آتشبارها فرو ریخته است/ بر دید و بازدیدها/ پیراهنی پیچیده می‌شود/ و جنایتی/ در سطل زباله می‌گنجد (ساری، ۱۳۷۰: ۲۵)

در این شعر «بهزاد زرین‌پور» نیز که به خوبی می‌توان حس تردید و بیان منفعل را در آن مشاهده کرد، فاصله گرفتن شاعر دهه دوم پس از انقلاب از زبان و تفکر ایدئولوژیک و مطمئن شاعران دهه اول مشهود است:

آسمان که ابری شد/ به آفتابگردان گم شده هیچ کس نگفت/ در کدام دقیقه لال می‌شود/ هیچ کس نگفت/ کی سر در می‌آورد از آب/ نهنگی که دل نمی‌کند از اعماق/ تا نداند کنار کدام ستاره، دریایی شده است/ خورشید که جز شکافی کوتاه/ چیزی از آسمان گرفته نمی‌خواهد/ آنقدر که دستی به شانه‌ی

آفتابگردان بزند / آنقدر که دوباره آفتابی شود نهنگ / می ترسم / خراب در بیاید
از آب / نهنگ بی وطن / می ترسم / سر به زیر بمیرد آفتابگردان در بدر / بگو
کجای دنیا قشنگ است / که چشم دیدن باران را ندارم (باباچاهی، ۱۳۸۱: ۳۲۲).

۲-۲-۲-۳- نسبی گرایی و پرهیز از ذهنیت مطلق اندیش

یکی از مؤلفه های مهم در هنجارها و باورهای شاعران نسل دوم پس از انقلاب، پرهیز آنها از ذهنیت مطلق اندیش و مطلق گرا است؛ چیزی که در فضای انقلابی و شعاری دهه نخستین انقلاب، شاعران جوان انقلابی چندان مجال رسیدن به آن را نداشتند.

در دهه دوم، نسل جوان شاعران که سعی می کردند دنیای پیرامون را به گونه ای نسبی و چند وجهی ببینند و درک کنند؛ بسیاری از نادیده ها و ناگفته های دهه پیشین را در ذهن و زبان خود پروراندند و در قالب شعر عرضه کردند. در این دهه اگر شاعر از جنگ صحبت می کند؛ علاوه بر آرمان گرایی ها و میهن پرستی های قابل انتظار، بد بختی ها و مصیبت های یک جنگ تمام عیار و مشکلات پس از جنگ را هم در نظام اجتماعی ایران می بیند. همچنین وقتی از انقلاب و حکومت الهی سخن به میان می آید سوء استفاده ها، سوء مدیریت ها و فسادهای اقتصادی، اجتماعی و ... نیز در ذهنیت نسلی شاعر این دهه جلوه می کند و یا حتی وقتی به غرب می اندیشد، علاوه بر جنبه های منفی نظام سرمایه داری و استعمار نوین، جنبه های مثبت فرهنگ غرب و رشد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز از چشم وی دور نمی ماند. شاعر نسل دوم انقلاب وقتی از معنویات سخن می گوید، در مقابل، دغدغه ی لذت زندگی مادی را هم در هنجار و باور نسلی خود می پروراند و حتی در ظاهر هنر و از جمله ادبیات نیز وقتی از محتوا و شعار پردازی و رسالت شعر صحبت می کند، در مقابل، فرم و ساختار را نیز نادیده نمی گیرد. برای همین است که در هنجار و باور شاعر این دهه، مادی گرایی، توجه به فرهنگ غرب، نگاه فرم گرا به هنر، آسیب شناسی اجتماعی، آسیب شناسی سیاست حاکم و... (البته به طور نسبی) کم کم رسوخ می کند و ابژه های نسلی وی را تا حدودی با آنچه که در دهه پیشین وجود داشت متمایز می کند و باعث

می شود که فاصله نسلی شاعران این دهه با شاعران دهه اول پس از انقلاب، سرعت بیشتری به خود بگیرد.

چه بوک/ چه بی خویش/ چه بی اعتبارند واژگان! / نه پرنده، پرنده است/ و نه آسمان، آسمان/ درخت/ مفهومی مجرد است/ و انسان/ معنایی بی مصداق (احمدی، ۱۳۸۱: ۵۰)

در شعر زیر نیز (م. روان شید) از فاصله ها و بی تفاوتی های اجتماعی در دهه دوم پس از انقلاب زبان به شکایت می گشاید:

تو دیگر تنها نیستی/ من هم دارم فراموش می شوم/ با این حساب اگر لا به لای سلامی سرد/ گذشتیم از کنار هم/ و نگاه نکردیم/ گمان مبر که فراموش کرده ایم/ خیال کن که نام و نشان آشناها مان را/ کودکانی بازیگوش/ سیاه کرده اند به رسم کودکی/ و یا خط خطی شده اند جسم و جان کوچکمان از سنگ/ خیال کن که باران تمام این سال ها/ فقط حافظه ی ما را گل آلود کرده است/ خیال کن که کوریم/ یا کورمان کرده اند/.../ اگر گذشتیم و/ نگاهی/ نیم نگاهی/ از ما به هم نرسید (باباچاهی، ۱۳۸۱: ۳۲۱).

۳- نتیجه گیری

به دلیل تغییر و تحولات پی در پی در دو دهه آغازین پس از انقلاب، ذهنیت و ابژه های نسلی شاعران مقطع زمانی مذکور با تحولات سریع و گسترده ای همراهِ بود. پدیده انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی در فاصله زمانی کوتاه، شخصیت های برآمده از انقلاب و جنگ و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برآمده از این پدیده ها و فرهنگ و ایدئولوژی و گفتمان غالب در انقلاب اسلامی جزء مهمترین خاطره ها و باورها و هنجارهای شاعران مقطع زمانی مذکور به شمار می روند و انعکاس این تحولات را به روشنی می توان در مضامین و درونمایه های شعری آنها مشاهده کرد. ضمن اینکه در دهه دوم پس از انقلاب اگر چه برخی از ابژه های دهه اول همچنان پا بر جای بود اما تغییراتی در نگرش شاعران به این پدیده ها و افراد از جمله انقلاب، جنگ تحمیلی، امام خمینی (ره) و ... دیده می شود. همچنین تغییراتی نیز در دهه دوم پس از انقلاب در نگرش شاعران به اندیشه های ایدئولوژیک و گریز از ایدئولوژی افراطی، نسبی گرایی و همچنین تفاوت هایی در دیدگاه های فرهنگی - اجتماعی به چشم می خورد.

فهرست منابع

- ۱- احمدی، احمدرضا، (۱۳۸۱)، **کتاب منتخبات**، تهران: نشر افکار.
- ۲- امین پور، قیصر، (۱۳۶۳)، **تنفس صبح**، حوزه هنری، تهران.
- ۳- اینگهارت، رونالد، (۱۳۷۳)، **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- ۴- باباچاهی، علی، (۱۳۸۱)، سه ده شاعران حرفه ای، تهران: ویستار.
- ۵- بالس، کریستوفر، (۱۳۸۰)، «ذهنیت نسلی»، ترجمه حسین پاینده، فصلنامه ارغنون، ش ۱۹ - صص ۱-۲۹.
- ۶- تاجیک، محمد رضا، (۱۳۸۰)، **مقدمه ای بر استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**، جلد اول، تهران: فرهنگ گفتمان.
- ۷- توکل، محمد و مریم قاضی نژاد، (۱۳۸۵)، «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه شناختی»، مجله نامه علوم اجتماعی، ش ۲۷، صص ۹۵-۱۲۵.
- ۸- رحمدل، غلامرضا، (۱۳۷۰)، «حماسه در شعر انقلاب»، مجموعه مقاله های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: سمت، صص ۵۹-۷۲.
- ۹- رفیع پور، (۱۳۷۸)، «تغییرات ارزش ها در آینه سینما و مطبوعات»، نامه پژوهش، س ۴، ش ۱۴ و ۱۵، صص ۵-۳۰.
- ۱۰- ساری، فرشته، (۱۳۷۰)، **شکلی در باد**، تهران: گردون.
- ۱۱- _____، (۱۳۶۸)، **قاب های بی تمثال**، تهران: چشمه.
- ۱۲- شریف، محمد رضا، (۱۳۸۱)، **انقلاب آرام**، تهران: زورا.
- ۱۳- قبادزاده، ناصر، (۱۳۸۱)، **روایتی آسیب شناختی از گسست نظام و مردم در دهه دوم انقلاب**، تهران: فرهنگ گفتمان.
- ۱۴- قزوه، علیرضا، (۱۳۶۹)، **از نخلستان تا خیابان**، تهران: همراه.
- ۱۵- کاشانی، سپیده، (۱۳۷۳)، **سخن آشنا**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۶- مرتجا، محمدحسن، (۱۳۸۰)، **اجرای جهانی از مثله ها**، تهران: نیم نگاه.
- ۱۷- مردانی، نصرالله، (۱۳۶۳)، **با آوای تکبیر**، کیهان فرهنگی، ش ۱۱، صص ۴۶-۴۷.
- ۱۸- _____، (۱۳۶۴)، **خون نامه خاک**، تهران: کیهان.
- ۱۹- _____، (۱۳۶۰)، **قیام نور**، تهران: حوزه اندیشه و هنر اسلامی.
- ۲۰- معقولی، مژگان، (۱۳۸۵)، **بازتاب زندگی ناتمام** (مصاحبه با شمس لنگرودی)، تهران: آهنگ دیگر.
- ۲۱- مکارمی نیا، علی، (۱۳۸۴)، **بررسی شعر دفاع مقدس**، چاپ دوم، تهران: ترفند.
- ۲۲- موسوی گرمارودی، علی، (۱۳۶۳)، **خط خون**، تهران: زوار.

۲۸۶ / بررسی ذهنیت نسلی شاعران در دو دهه آغازین پس از...

۲۳- میر جعفری، اکبر، (۱۳۷۶)، **حرفی از جنس زمان**، شیراز: نشر قو.

۲۴- نجف زاده بارفروش، محمد باقر، (۱۳۷۲)، **فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت**، تهران: کیهان.

۲۵- یوسفی، (۱۳۸۳)، **شکاف بین نسل ها**، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.